



تربیت کردن بدون خشونت – چگونه امکان پذیر است؟



راهنمای خانواده ویژه پناه جویان و تازه مهاجرانی که تربیت کودکان را برعهده دارند

ترویج توسط:



مقدمه

کودکان و نوجوانان می بایست در شادی و خوشحالی رشد کنند. آنها می بایست افرادی نیرومند و با اعتماد به نفس بشوند و بتوانند همه توانایی های خود را شکوفا سازند. کودکان، امید ما برای آینده ای مطلوب هستند. هدف از این راهنما، حفاظت از کودکان با استفاده از تادیب و تربیت بدون خشونت است. حفاظت در برابر خشونت، تکلیفی است مهم برای همه ما، هم برای والدین و هم برای سرپرستان دیگر.

جوامع مختلف، دیدگاهها و تصورات متفاوتی در مورد نحوه تربیت کودکان و الگوهای رفتاری والدین یا دیگر سرپرستان و کودکان دارند. برای اینکه افراد یک خانواده تازه وارد بتوانند در یک کشور بیگانه بخوبی در کنار هم زندگی کنند، لازم است که با دیدگاهها و مقررات موجود در آن کشور آشنا شده و آنها را درک کنند.

به همین دلیل، در فصل ۱ این راهنما تصویری که در آلمان در مورد تربیت وجود دارد و نیز مباحث حقوقی مهم و الزامات قانونی مربوطه توضیح داده شده‌اند.

در فصل ۲، انواع مختلف خشونت هایی که ممکن است کودکان با آنها روبرو شوند شرح داده شده و عواقب آنها توضیح داده شده است. خشونت در خانواده و نیز تجربه هایی نظیر جنگ، گریز و مهاجرت به شکلی ویژه سلامت روحی کودکان را تهدید می کنند.

در فصل ۳، به توضیح این امر پرداخته خواهد شد که جلوگیری و پرهیز از خشونت در تربیت کودکان و در عوض تقویت آنان با استفاده از محبت و توجه در هنگام تربیت کردن تا چه حد می تواند مهم باشد. اغلب این خود والدین یا سرپرستان هستند که از خشونت به عنوان یک وسیله تربیتی استفاده می کنند. البته این کار در آلمان از سال ۲۰۰۰ منع قانونی دارد.

فصل ۴ به اطلاع رسانی در این مورد خواهد پرداخت که والدین و سرپرستان، در صورت بروز سوالات و نگرانی های تربیتی، می توانند به کجا مراجعه کنند.

لازمه و پیش شرط اینکه فرزندان ما بتوانند تندرست، در امنیت و با عشق و محبت بزرگ شوند، تربیت عاری از خشونت است.

Impressum

Gewaltfrei erziehen – wie geht das?
Ein Familienratgeber für Geflüchtete und neu zugewanderte Erziehungspersonen

Herausgeber:
Ethno-Medizinisches Zentrum e.V.
Königstraße 6, 30175 Hannover

Konzeption, Inhalt, Erstellung:
Duale Hochschule Baden-Württemberg Villingen-Schwenningen (DHBW)
– Institut für Transkulturelle Gesundheitsforschung
Ethno-Medizinisches Zentrum e.V. (EMZ e.V.)
– MiMi Integrationslabor Berlin (MiMi Lab)

Förderung: Beauftragte der Bundesregierung für Migration, Flüchtlinge und Integration

Projektleitung: Ramazan Salman (EMZ e.V.), Prof. Dr. Dr. Jan Ilhan Kizilhan (DHBW)

Redaktion: Ahmet Kimil, Prof. Dr. Dr. Jan Ilhan Kizilhan, Claudia Klett, Anette Metzger,
Anne Rosenberg, Andreas Sauter, Ramazan Salman, Silvio Schelle, Soner Tuna,
Prof. Dr. Haci-Halil Uslucan, Prof. Dr. Hans-Peter Waldhoff

Layout und Satz: eindruck.net, 30175 Hannover

Illustrationen: deanhills.com, 55130 Mainz

Übersetzung: Dolmetscherdienst – Ethno-Medizinisches Zentrum e.V.

Alle Rechte vorbehalten. Das Werk ist urheberrechtlich geschützt. Jede Verwendung in anderen als den gesetzlich zugelassenen Fällen bedarf deshalb der vorherigen schriftlichen Genehmigung durch den Herausgeber.

Diese Publikation können Sie jederzeit über die Webseiten „www.mimi-gegen-gewalt.de“ oder „www.mimi-bestellportal.de“ in folgenden Sprachen anfordern:
Arabisch, Bulgarisch, Dari, Deutsch, Englisch, Farsi, Französisch, Kurdisch, Paschto, Polnisch, Russisch, Serbisch/Bosnisch/Kroatisch, Spanisch und Türkisch.

1. Auflage · Stand: November 2019

4.....1. خانواده و تربیت در آلمان

هدف های تربیت کودکان و نوجوانان در آلمان کدامند؟
بر پایه قانون، کودکان و نوجوانان در آلمان از چه حقوقی برخوردارند؟

10.....2. خشونت بر علیه کودکان

کدام انواع خشونت دسترسی به موفقیت در تادیب و تربیت را دشوار می سازند؟
خشونت چه پیامدهایی برای رشد و تکامل کودکان دارد؟
چرا خشونت خانوادگی پیامدهای ویژه ای دارد؟
تاثیرات جنگ، کریز (پناه جویی) و آسیب های روحی بر تربیت؟

16.....3. خشونت در تربیت

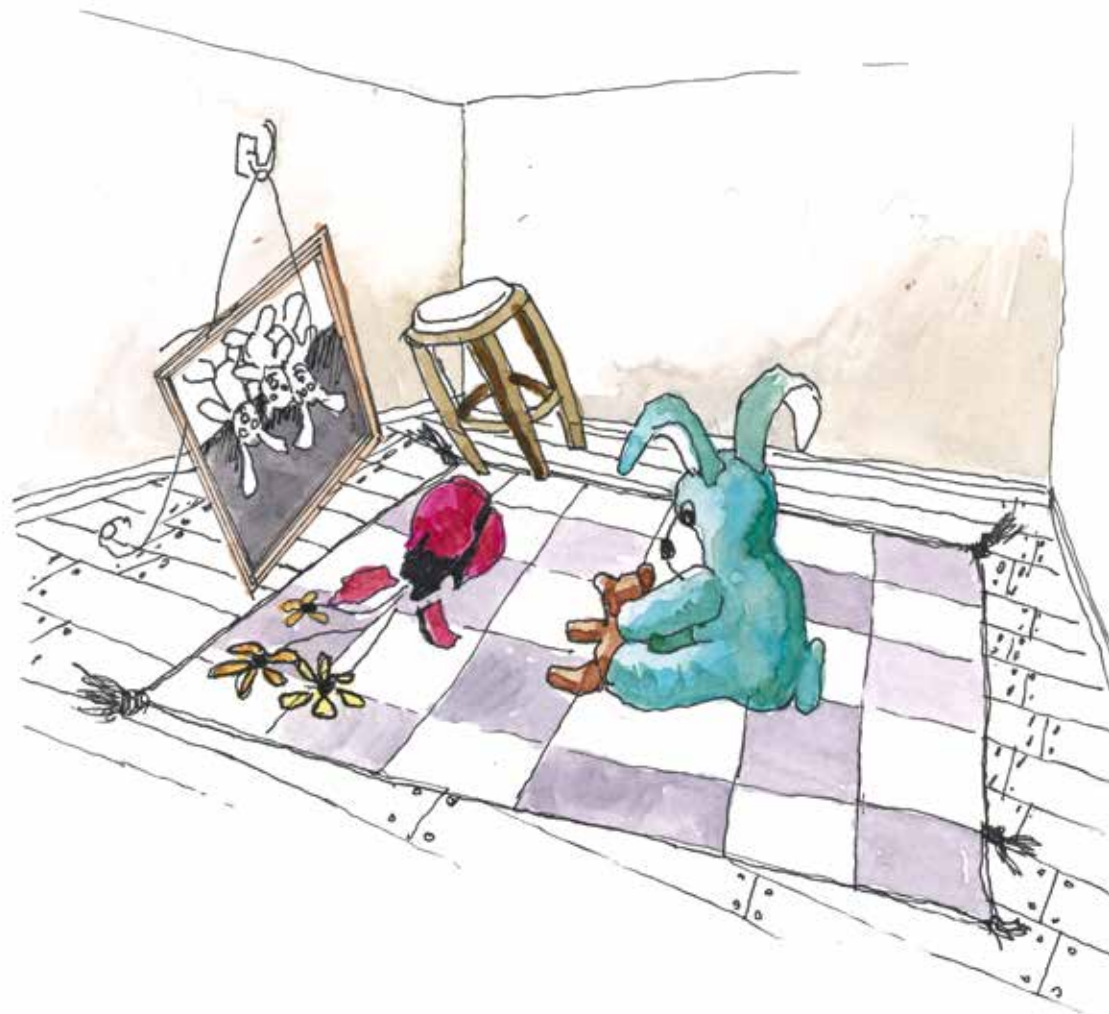
آیا خشونت می تواند به عنوان یک وسیله تربیتی تلقی شود؟
در هنگام بروز استیصال و درماندگی، چه اقداماتی را می توانم انجام دهم؟
چگونه می توانم کودکان را ضمن تربیت کردن تقویت کنم؟
چه چیزهایی را لازم است در مورد شیوه های تربیتی پس از پناه جویی و مهاجرت بدانم؟

19.....4. حفاظت از کودکان در آلمان

از کجا می توانم کمک بگیرم؟
«کمک کودکان و نوجوانان» چه خدماتی را عرضه می دارد؟
چه موقع اداره نوجوانان مجاز به مداخله در امور تربیتی است؟

22.....واژه نامه

24.....اطلاعات تماس و خدمات کمکی برگزیده



1. خانواده و تربیت در آلمان

بسیاری از خانواده‌های مهاجر، اهل سرزمین‌هایی هستند که دیدگاه‌های موجود در آنجا در مورد تربیت کودکان با تصورات موجود در آلمان بسیار متفاوت اند. بویژه زمانی که والدین و کودکان با مقررات معتبر در آلمان آشنایی نداشته باشند، این موضوع می‌تواند باعث استیصال و درماندگی، سردرگمی و اختلافات گوناگون شود.

تربیت کودک و نوجوان در آلمان چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

در دیدگاه تربیتی که در جوامع غربی چون آلمان گسترش یافته است، ارتقاء توانایی‌های فردی و شخصیت منحصر به فرد هر کودک، اصلی‌ترین موضوع است. یک کودک، از بدو تولد از حق شکوفایی شخصیت، حق زندگی و حق تمامیت جسمی برخوردار می‌شود. وظیفه والدین و سیستم تربیتی (از جمله مهد کودک و مدرسه) این است که در حمایت از رشد جسمی، روحی و ذهنی کودک کوشا باشند. کودک می‌بایست بیاموزد، که نظر شخصی خود را توسعه داده و آن را بیان کند. همچنین کودک می‌بایست بیاموزد، که نسبت به خود و جامعه مسئولیت‌پذیر باشد.

برای درک و فهم وظایف تربیتی در آلمان، لازم است در نخستین قدم فرایند رشد کودکان را بشناسیم. این فرایند را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد.

دوران کودکی

کودکی، مرحله‌ای از زندگی است که از تولد تا آغاز دوره بلوغ به طول می‌انجامد. در بسیاری از قوانین جاری، کسی که هنوز به سن ۱۴ سالگی نرسیده است، کودک تلقی می‌شود.

دوره کودکی، اثرات بسیار قابل توجهی بر کل روند زندگی دارد. این دوره زیربنایی را تشکیل می‌دهد که همه آنچه که در آینده در انتظار فرد است بر روی آن ساخته می‌شود. رشد کودک به شکلی خوب و سالم از اهمیت خاصی برخوردار است. توانایی‌ها و طرزفکرهایی که در کودکی کسب می‌شوند، بر تمامی زندگی او تاثیر می‌گذارند.

کودکان می‌توانند، با بالا رفتن سنشان، وظایفی را در امور روزمره خانه برعهده گیرند. البته زمان لازم برای مدرسه رفتن، انجام تکالیف مدرسه، شرکت در کلاس‌های تقویتی و همچنین فعالیت‌های اوقات فراغت و استراحت کودکان نباید به خاطر انجام وظایف محول شده در خانه نادیده گرفته شود.

در کنار رشد شخصیتی و یادگیری، حفاظت از کودک و امنیت او نیز از امور بسیار مهم هستند. کودکان، به دلیل نداشتن تجربه کافی در زندگی، همیشه قادر به تشخیص خطراتی که آنها را تهدید می‌کند، نیستند، که به همین علت آنها در مقایسه با بزرگسالان آسانتر قربانی خشونت می‌گردند.

کودکان بر اساس قانون پیشگیری از اشتغال کودکان اساساً اجازه کار کردن ندارند. تنها پس از ۱۳ سالگی امکان استثناء قائل شدن از این قانون وجود دارد. تامین مخارج زندگی کودکان برعهده والدین است که در صورت نیاز از سوی دولت مورد حمایت مالی قرار می‌گیرند.

نوجوانی

بر اساس قانون در آلمان، نوجوان کسی است که ۱۴ سالش تمام شده ولی هنوز به ۱۸ سالگی نرسیده. در طول دوره نوجوانی، روند تبدیل فرد از یک کودک به یک بزرگسال رخ می‌دهد. تکامل جسمی و روحی فرد از ویژگی‌های بارز این مرحله می‌باشد.

نوجوانان، در مدرسه آموزه‌های اساسی را که برای حل مسائل روزمره زندگی و نیز برای شغل آینده خود به آنها نیاز دارند، فرا می‌گیرند. تصمیم‌گیری در مورد شغل و نیز آغاز کردن یک دوره کارآموزی یا تحصیلی معمولاً در همین دوره اتفاق می‌افتد.

در بسیاری از ایالت‌ها نوجوانان این حق و وظیفه را دارند که تا سال ۱۸-۱۶م زندگی به مدرسه آموزش عمومی یا مدرسه کار و دانش بروند. والدین مجازند که در هنگام انتخاب شغل، فرزندان خود را راهنمایی کنند ولی نه اینکه برای آنها تصمیم بگیرند. دختران نیز همچون پسران حق دارند که شغل خود را آزادانه انتخاب کنند.

داشتن رابطه با هم سن و سالان در دوره نوجوانی مهمتر از پیش می‌شود. اولین رابطه‌های عاشقانه اغلب در این دوره شکل می‌گیرند که می‌توان به آنها به عنوان تمرین و آمادگی برای زندگی با یک شریک زندگی و نیز برای زندگی زناشویی در آینده نگریست.

برقراری روابط جنسی بین افراد هم سن بر اساس قانون مجاز است. سن قانونی در آلمان از هجدهمین سال زندگی آغاز می‌گردد. اقدامات جنسی بین افرادی که به سن قانونی رسیده اند و افرادی که سن آنها کمتر از ۱۴ سال است، اساساً از لحاظ قانونی ممنوع و قابل مجازات می‌باشد. این مورد حتی اگر کودک ظاهراً رضایت خود را اعلام کرده باشد نیز صدق می‌کند. این عمل در کتاب قانون کیفری* به عنوان «سوء استفاده جنسی» تعیین شده است (ماده ۱۷۶، بند ۱).

بر اساس قانون شهروندی، ازدواج در آلمان تنها پس از ۱۸ سالگی مجاز می‌باشد (ماده ۱۳۰۳). در کتاب قانون کیفری معین شده است که اساساً هیچکس، فارق از میزان سنی، نباید با استفاده از خشونت یا تهدید به خشونت به ازدواج کردن مجبور شود. این عمل یک تحمیل بسیار سنگین محسوب شده و قابل مجازات است (ماده ۲۳۷).

این یک امر کاملاً طبیعی و عادی است که در دوران نوجوانی یک مرزبندی فزاینده از خانواده اتفاق بیافتد. این اتفاق ممکن است به مناقشات و اختلاف نظرهایی بین والدین و نوجوانان بیانجامد. بروز این مناقشات نشانه‌ای از شکل‌گیری یک شخصیت مستقل در کودک می‌باشد و نیز نشانه‌ای از اینکه او می‌خواهد

* واژه‌هایی که به شکل مورب نگاشته شده اند را در واژه نامه خواهید یافت

«هنگامی که کودکان کوچک اند، می بایست به آنها کمک کنیم تا ریشه دوانده و پای گیرند. ولی وقتی که دیگر بزرگ شدند، می بایست به آنها بال هدیه دهیم.» (ضرب المثل هندی)

به شکلی فزاینده مسئولیت کارها و امور خود را برعهده بگیرد. وظیفه والدین این است که نوجوان را در این راه همراهی کرده و آزادی هایی را مطابق با سن او برای او قایل شده و همچنین حق همفکری را برای او در نظر بگیرند، تا بتواند خوب رشد کند.

در این مرحله اغلب برای والدین سئوالات و نگرانی های زیادی در ارتباط با تربیت، برخورد با اختلافات و قراردادن حد و مرز برای نوجوان پیش می آید. این سئوالات و نگرانی ها را می توان بدون هزینه مالی و در صورت تمایل به صورت ناشناس با کارشناسان مراکز مشاوره تربیتی و یا با استفاده از تلفن والدین مطرح کرد.



کودکان دارای معلولیت

انسان های معلول نیز مانند افرادی که معلولیت ندارند از این حق برخوردارند که بتوانند در کودکی و نوجوانی از لحاظ روحی، ذهنی و جسمی به بهترین نحو رشد کنند. آنها باید اجازه پیدا کنند، تا جایی که امکان دارد خودشان برای خود تصمیم گیری کنند. آنها همچنین می بایست از امکان مشارکت آزادانه در جامعه، مثلا در بخش هایی همچون مدرسه و آموزش بهره مند شوند. البته این موضوع اغلب نیازمند مهیا شدن برخی شرایط ویژه در آموزش و پرورش و نیز در روابط بین والدین و فرزند می باشد.

یک معلولیت ممکن است:

- به دلیل اختلالات جسمی که ادراک حسی (مثلا دیدن یا شنیدن) یا توانایی فرد در حرکت کردن را تحت تاثیر قرار می دهند، وجود داشته باشد. این موارد می توانند به دشوار شدن تحرک و یا سخت شدن برقراری ارتباط با دیگران بی انجامند.
- سلامت روحی کودک را بصورت دائمی مختل کند، برای مثال بواسطه یک بیماری روانی. از جمله نشانه های این مورد، می توان به پرخاشگری و شتابزدگی بیش از حد کودک برای مدت زمانی طولانی و یا غمگینی و گوشه گیری او اشاره نمود. در نتیجه این موارد، کودک ممکن است که در برقراری ارتباط با انسان های دیگر و همچنین در مدرسه و یا مهدکودک با مشکلاتی مواجه شود.
- بدلیل بروز اختلالاتی در توانایی های ذهنی فرد وجود داشته باشد، که به واسطه آنها توانایی های فرد در درک، یادگیری و فهم و یا فهماندن موضوعات مختلف، مختل می شود.

غالبا برای والدین کودک معلول سئوالات و تردیدهای بسیاری وجود می آید. این سئوالات بیشتر در ارتباط با نحوه برخورد و مواجهه با کودک، تربیت و راه های پشتیبانی و تقویت او در داخل خانواده می باشند. پیدا کردن یک مهدکودک یا مدرسه مناسب و یا آموزش های شغلی مطلوب معمولا دشوار است. همچنین ترد کردن یا منزوی ساختن کودک از سوی دیگر اعضای خانواده یا جامعه نیز می تواند والدین را از نظر روحی تحت فشار قرار دهد.

در آلمان خدمات کمکی و حمایتی وجود دارد که در قانون تعریف شده اند و هدف از آنها، جلوگیری از محرومیت کودکان معلول از حقوقشان می باشد. برای مثال، مدارس و مهدکودک های تقویتی بخصوص (برای کودکان استثنایی) و یا کمک هایی که هدف آنها میسر کردن شرایط رفتن کودک به مدرسه یا محل کارآموزی می باشد. میزان و نوع این کمک ها با توجه به نیازهای شخصی کودک و خانواده تعیین می گردد.

خانواده ها می توانند خدمات کمکی دیگر که مربوط به ساماندهی زندگی روزمره می باشند را از «خدمات حمایتی خانواده» و «خدمات آسوده سازی خانواده» دریافت کنند. این خدمات، هم والدین و خواهران و برادران کودک معلول و هم خود او را مورد حمایت قرار می دهند. والدین در تعیین میزان کمک های دریافتی کاملا مختارند. مسئولیت مراقبت و تربیت همچنان برعهده والدین است.

یکی از اولین و مهمترین مراجع برای والدین کودکی که دارای معلولیت است، پزشکان متخصص کودکان هستند. این پزشکان می توانند با صدور یک ارجاع نامه شما را به «خدمات تربیت اجتماعی (SPZ)» ارجاع دهند که عرضه کننده خدمات گسترده تری مانند معاینه و تشخیص میان رشته ای و نیز مشاوره والدین در مورد انواع امکانات کمکی و حمایتی موجود هستند. همچنین افرادی چون مربیان تربیتی مهدکودک، معلم های مدرسه یا خدمات اجتماعی مستقر در اقامتگاه جمعی پناهجویان نیز می توانند پاسخگوی چنین سئوالاتی باشند.

در صورت وجود مشکلات زبانی می بایست از یک مترجم استفاده شود. برای برخی از زبان ها بروشورهایی در مورد خدمات کمکی ویژه کودکان دارای معلولیت موجود است. و در بعضی از شهرها و مناطق، گروه های حمایتی وجود دارد که بنیان گذاران آنها خانواده های مهاجر که خود دارای بستگان معلول هستند، می باشند.

بر اساس قانون اقامت، استفاده از خدمات نامبرده هیچ تاثیری بر روند پناهندگی شما ندارد. کودکانی که معلولیت دارند به عنوان افرادی که به شدت به محافظت نیاز دارند به رسمیت شناخته شده اند. بر اساس قانون حقوق و مزایای متقاضیان پناهندگی، آنها حتی اگر دارای اقامت های محافظتی برای مدت زمان محدود باشند (ماده ۲۴، بند ۱) باز هم مشمول دریافت کمک های ضروری پزشکی و دیگر کمک ها می شوند (ماده ۶، بند ۲).

از نظر قانون در آلمان، کودکان و والدین دارای چه حقوقی هستند؟

تربیت و رابطه بین فرزندان و والدین در آلمان بوسیله قوانین مختلفی تعیین می‌گردند.

قانون اساسی (GG)

کودکان ساکن در آلمان، از بدو تولد دارای حقوق اساسی یکسان با بزرگسالان می‌باشند. مبنای این حقوق در قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان نهاده شده است.

برخی از این حقوق اساسی عبارتند از:

- «کرامت انسان لمس ناشدنی است. محترم شمردن و حفاظت از آن وظیفه همه قوای حکومتی است.» (ماده ۱، بند ۱)
- «همه اشخاص حق دارند آزادانه به شکوفایی شخصیت خود بپردازند، تا زمانی که بواسطه آن به حقوق دیگری تعرض نشود و تخلفی بر ضد نظام تعریف شده در قانون اساسی و یا بر ضد قانون عرف صورت نگیرد.» (ماده ۲، بند ۲)
- «هر فرد دارای حق زندگی و حق تمامیت جسمی است. آزادی انسان تعرض ناپذیر است. دخل و تصرف در این حقوق، تنها بر مبنای یک قانون امکان پذیر است.» (ماده ۲، بند ۱)

کودکان از بدو تولد انسان‌هایی با ارزش کامل تلقی می‌شوند که حقوق و وظایف مختص خود را دارند. والدین ملزم به رسیدگی به کودکان هستند و آنها را در راستای مستقل شدن یاری می‌کنند. این حق و وظیفه والدین است که تا سن ۱۸ سالگی، یعنی تا رسیدن به سن قانونی، از فرزندان خود مراقبت کرده و آنان را تربیت کنند (ماده ۶، بند ۲، GG). این مراقبت و تربیت می‌بایست در راستای رشد و تکامل کودک در جهت مثبت باشند.

کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل

متحد (UN-KRK)

حقوق بین‌المللی کودکان تا سن حداکثر هجده سال، در کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد تعیین شده‌اند. در آلمان این حقوق از سال ۱۹۹۲ معتبر بوده و شامل موارد زیر می‌باشد:

- حق رسیدگی: به عنوان مثال حق بهره‌مندی از تامین بهداشتی-درمانی، آموزش و شرایط مناسب زندگی.
- حقوق فرهنگی، اطلاعاتی و مشارکتی: به عنوان مثال حق آزادی بیان، حق امنیت حریم خصوصی و حق برخورداری از اوقات فراغت.
- حقوق حفاظتی: از جمله حق حفاظت در برابر خشونت جسمی یا روانی، حق حفاظت در برابر سوءاستفاده جنسی و در برابر استثمار اقتصادی یا جنسی.

قانون خانواده در کتاب قانون شهروندی قوانین معتبر در داخل کشور در مورد حقوق و تعهدات والدین در قبال فرزندان در «کتاب قانون شهروندی» تعیین شده است. بر اساس این قانون، موجودیت فرد دیگر تنها به خانواده وابسته نیست، بلکه توسط نهادهای دولتی تضمین می‌شود. والدین مهمترین افراد مسئول در قبال کودکان خود هستند. از نظر قانون، مسئولیت تضمین سلامت کودکان صرفاً برعهده والدین است.

برخی از قوانین حائز اهمیت در کتاب قانون شهروندی:

- والدین موظف به تامین نیازهای فرزند خود که زیر سن قانونی است، می‌باشند (ماده ۱۶۲۶، بند ۱). این مورد شامل «به‌ویژه وظیفه و حق رسیدگی به کودک، تربیت کردن و نظارت بر او و نیز تعیین محل اقامت او» می‌شود (ماده ۱۶۳۱، بند ۱).
- سرپرستی کودک توسط والدین می‌بایست از سوی هر دوی آنها، در تفاهم و با توافق طرفین و در راستای منافع کودک انجام گیرد (ماده ۱۶۲۷). در خصوص تصمیم‌گیری برای کودک، مسئولیت و حق اظهار نظر مادران و پدران یکسان است.
- «توانایی‌ها و نیازهای فزاینده کودک برای انجام کارها به صورت مستقل و مسئولانه» باید توسط والدین در نظر گرفته شود. مسائل و نگرانی‌های والدین در مورد سرپرستی کودک، می‌بایست در تناسب با سن کودک با او در میان گذاشته شوند و تصمیمات مربوطه حتی الامکان در جریان همفکری با خود کودک گرفته شوند (ماده ۱۶۲۶، بند ۲).



مهم: «کودکان از حق تربیت شدن بدون خشونت برخوردارند. استفاده از تنبیه بدنی، صدمات روانی و سایر اقدامات تحقیر آمیز، مجاز نیست» (ماده ۱۶۳۱، بند ۲). والدین مجازند، به تعامل فیزیکی (بدنی) با فرزند خود بپردازند، مثلاً برای بازداشتن او از خطر او را محکم بگیرند. البته، استفاده از هر نوع خشونت، بویژه تنبیه بدنی به عنوان وسیله تربیتی، ممنوع است و می‌تواند به شکایت قانونی بیانجامد.

کتاب قانون کیفری (StGB)

هرگونه اقدام یا عدم اقدام (کوتاهی) از طرف والدین یا دیگر سرپرستان، که کودک بواسطه آن مورد آزار یا بدرفتاری قرار گیرد «بدرفتاری با افراد محافظت شده» محسوب شده و قابل مجازات است (ماده ۲۲۵). این مورد، شامل کوتاهی خبیثانه (با سوء نیت) از تامین نیازهای کودک و پذیرش یا ایجاد صدمه به سلامتی کودک نیز می‌شود.

2. خشونت بر علیه کودکان

همه کودکان در سراسر جهان حق دارند که از آنها در برابر خشونت محافظت شود. با این حال، هنوز هم خشونت زیادی علیه کودکان اعمال می شود. این کار اغلب توسط افراد مورد اعتماد کودکان که هر روز در کنار آنها هستند انجام می شود: مثلاً توسط والدین و یا بستگان کودک. کودکانی که معلولیت دارند، به ویژه در معرض خطر هستند، زیرا توانایی آنها برای دفاع از خود کمتر است.

چه گونه هایی از خشونت، دستیابی به موفقیت در تادیب و تربیت کودکان را دشوار می سازند؟

خشونت می تواند شکل های بسیار گوناگونی داشته باشد.

خشونت بدنی

خشونت جسمی، کلیه تعرض ها به تمامیت جسمی کودک را در توصیف می کند، فارق از شدت این تعرض ها و بدون ارتباط به اینکه آیا این تعرض ها باعث صدمات قابل رویت یا دائمی بشوند یا خیر.

مثال ها:

- کتک زدن، نیشگون گرفتن، لگد زدن، ضربه زدن و یا فشردن گلو
- ضربه زدن یا صدمه زدن با استفاده از اشیاء، مختلف مانند جارو دستی، کمربند یا خرده شیشه

- تکان دادن و بلرزه در آوردن کودکان خردسال
- سوزاندن با استفاده از آب جوش یا اجسام داغ
- مسموم کردن

خشونت روحی

در خشونت روحی، به جای بدن، روح و روان و یا شخصیت و ارزش درونی کودک مورد تهاجم مستقیم قرار گرفته و صدمه می بیند. این کار ممکن است با استفاده از کلمات، حرکات یا رفتارهای مختلف انجام گیرد.

کودکی که هدف خشونت روحی قرار می گیرد از احساسات منفی که در وی ایجاد می شوند رنج می برد. با اینکه عواقب خشونت روحی قابل رویت نیستند این نوع خشونت می تواند لطمه های بسیار وخیمی به رشد و تکامل کودک بزند.

خشونت روحی، رایج ترین نوع خشونت علیه کودکان است، که غالباً از آن به عنوان یک وسیله تربیتی استفاده می شود و یا به دلیل فشار بیش از حد یا درماندگی (والدین یا سرپرستان) اتفاق می افتد.

مثال ها:

- بر سر کودک فریاد زدن
- نادیده گرفتن سوالات کودک، نگاه تحقیرآمیز به کودک یا روی برگرداندن از او به شکلی نمایشی و واضح

• زندانی کردن، مثلاً در یک اتاق

• تهدیداتی از قبیل: «اگر فوراً آرام نشی، اتفاق بسیار وحشتناکی خواهد افتاد. اگر این کار را دوباره انجام دهی، تو را به دیگران می سپارم. می کشمت.»

• اهانت ها یا تحقیرهایی مانند: «دیگه دوستت ندارم، از جلوی چشم هایم دور شو. تو به درد هیچ چیز نمی خوری! چه گناهی کرده ام که بچه ای مثل تو نصیب شده است؟»

• مقصر خواندن و سرزنش کردن مانند: «فقط به خاطر تو است که حالم این قدر بد است. اگر درست رفتار نکنی، به خاطر (کارهای) تو مریض خواهم شد. آگه تو را نداشتم، زندگی ام خیلی بهتر از این می بود.»

خشونت جنسی

خشونت جنسی، شامل کلیه کارها و اقداماتی می شود که خود مختاری جنسی فرد را نقض می کنند، یعنی بر خلاف خواست آزادانه وی انجام می گیرند.

انجام اقدامات و کارهای جنسی، از طرف یک یا هر دوی والدین و یا سایر بزرگسالان مرتبط با کودکان، بر روی آنها، همراه با آنها و یا در مقابل آنها، اساساً ممنوع و قابل مجازات می باشد. این امر، در مواردی که خود کودک در ظاهر اظهار رضایت کرده و مقاومتی از خود نشان ندهد نیز صدق می کند.

خشونت جنسی اغلب عواقب بسیار جدی، تا سر حد بیماری های جسمی و روحی طولانی مدت به همراه دارد.

مثالهایی از خشونت جنسی:

- لمس کردن شرمگاه، سینه ها یا باسن به منظور ایجاد برانگیختگی جنسی
- عکس گرفتن یا فیلمبرداری کردن از بدن برهنه کودک
- مجبور کردن کودک به نگاه یا لمس کردن اندام تناسلی فرد بزرگسال
- دخول به بدن کودک با آلت تناسلی، انگشت یا زبان و یا هرگونه اشیاء (تجاوز)
- مجبور کردن کودک به انجام کارهای جنسی با افراد دیگر

اهمال یا کوتاهی کردن

اهمال یا کوتاهی، نوعی صدمه زدن به کودک به شکل غیر مستقیم است. والدین به صورت کافی و مناسب از کودک مراقبت نمی کنند. بدین شکل نیازهای اساسی کودک در یک دوره زمانی نسبتاً طولانی، به صورت مداوم و یا مکرراً برآورده نمی شوند، که این باعث آسیب دیدن کودک می شود. در بدترین حالت، کوتاهی منجر به مرگ کودک می شود، مثلاً به دلیل گرسنگی یا تشنگی کشیدن.

مثال ها:

- تأمین نکردن غذای کافی و مغذی، عدم تأمین بهداشت بدنی کافی، به خطر افتادن کودک به علت فقدان نظارت لازم
- عدم ابراز عشق و محبت، حد و مرزهای متناسب به کودک نشان داده نمی شوند.
- به عنوان مثال، کودک مجاز است هر روز چندین ساعت به تماشای تلویزیون و یا انجام بازی های رایانه ای بپردازد. خطرات موجود به

- کودک گوشزد نمی شوند، سوء استفاده کودک از مواد مخدر یا ارتکاب جرم از جانب وی، از سوی والدین پذیرفته و تحمل می شود.
- معاینات پیشگیرانه پزشکی و معالجات لازم از کودک دریغ می شوند.
- عدم ارائه پشتیبانی های لازم در خصوص مدرسه و تمرینات درسی، غیبت عمدی از مدرسه پذیرفته شده و مورد حمایت قرار می گیرد.

خشونت چه پیامدهایی برای رشد کودک دارد؟

- واکنش های فوری کودکان پس از مواجهه با خشونت می توانند شامل موارد زیر شوند:
- شوکه شدن، درجای خود میخکوب شدن، عدم پاسخگویی
- ترس، وحشت، فریاد زدن
- گریه های طولانی
- چسبیدن به والدین
- رفتارهای تدافعی، پرخاشگری، پنهان شدن
- سردرگمی

اثرات احتمالی میان مدت و بلندمدت عبارتند از:

- گوشه گیری، انزوا
- از دست دادن اعتماد ذاتی و اطمینان درونی
- رخوت و بی انگیزگی، بی حوصلگی نسبت به بازی کردن
- بروز حالت های افسردگی

- ترس بسیار شدید
 - چسبیدن به مادر یا سرپرست
 - مقاومت کردن در برابر ابراز علاقه
 - بروز مشکلات در تکامل، اختلالات رشد
 - بازگشت به رفتارهای گذشته، مثلاً خیس کردن جای خود، بازگشت به گفتار کودکانه
 - اختلالات خواب، عدم موفقیت در مدرسه، بروز اختلالات تمرکز
 - عزت نفس پایین، اعتماد به نفس پایین
 - رفتار خشونت آمیز، افزایش خشونت
 - رفتارهایی در جهت خودآزاری، مانند اختلالات خوردن، سوء استفاده از مواد مخدر، سیگار کشیدن
 - آسیب رساندن به خود، خطر خودکشی
- ## عواقب بلندمدت و آسیب های ماندگار:
- ناراحتی های شدید جسمی، به عنوان مثال سردرد، معده درد یا کمردرد
 - نداشتن احساس مثبت نسبت به زندگی
 - تحقیر جنسیت خود، معمولاً ناشی از تجربه خشونت جنسی
 - بیزاری از خود و تحقیر نفس
 - رد کردن روابط اجتماعی، ترس از رابطه
 - تکرار الگوهای ارتباطی منفی تجربه شده
 - توجیه و انکار رخدادها
 - فکر به خودکشی، خطر خودکشی

تاثیرات مختص جنسیت های متفاوت:

در دختران بیشتر تاثیرات درونگرا مشاهده می شوند، مانند:

- پریشانی
- گوشه گیری
- خود آزاری، خود زنی
- ترس
- دوری گزیدن از ارتباط با دیگران

در پسران بیشتر تاثیرات برون گرا مشاهده می شوند، مانند:

- پذیرش خشونت
- رفتار سلطه جویانه
- تحقیر و بی احترامی به دختران و زنان
- تعرض های جنسی از طریق گفتار و کردار
- فزونی پرخاشگری
- رفتارهای خشونت آمیز و الگوهای رفتاری تهدید آمیز

بر خلاف بزرگسالان، کودکان هنوز در مرحله رشد و تکامل قرار دارند. مورد خشونت قرار گرفتن یک کودک می تواند پیامدهای ماندگاری برای بدن، روح و شخصیت او داشته باشد که در تمامی طول زندگی همراه او خواهند بود.

چرا خشونت خانوادگی عواقب به ویژه سختی دارد؟

برای یک کودک، خانواده به منزله جایی است که باید در آنجا احساس امنیت کند. در صورتی که یک کودک در خانواده خشونت را تجربه کند، این احساس امنیت در او از بین می رود. در عوض او یاد می گیرد که نفی کردن دیگران و خشونت در خانواده و در بین کسانی که به هم نزدیکند امری عادی است.

کودکان در هنگام برقراری ارتباط با والدین و دیگر افراد تاثیرگذار در محیط اطرافشان، می آموزند که واکنش دنیایی پیرامون نسبت به آنها چگونه است. در صورت تجربه نفی شدن و یا خشونت، کودکان می آموزند که در این دنیا کسی آنها را نمی خواهد. این امر ممکن است به این بیانجامد که چنین کودکانی دیگر از کسی انتظار عشق و علاقه نداشته باشند. از اینرو آنها نیز رفتاری سرد و بی اعتماد نسبت به دیگران از خود بروز می دهند.

خشونت خانوادگی، کودکان را به یک دوگانگی عمیق روحی سوق می دهد. بسیاری از کودکان این اجازه را به خود نمی دهند، که از والدین یا خویشاوندان خود بدلیل خشونتی که بر علیه آنها اعمال کرده اند، فاصله بگیرند. برخی اوقات، این افراد بلافاصله پس از اقدام به خشونت دوباره به شکلی محبت آمیز و دلسوزانه نسبت به کودک رفتار می کنند. این منجر به سردرگمی و بروز بی نظمی در احساسات کودک می شود. کودکان، در این مواقع خود را مقصر می دانند، که این مسئله ممکن است تا آنجا پیش رود که آنها از خود متنفر شوند.

بسیاری از کودکان خشونت را تحمل کرده و در مورد آن سکوت می‌کنند، زیرا نمی‌خواهند که خانواده از هم جدا شود. همچنین ممکن است که آنها از سوی والدین تحت فشار قرار گیرند، تا در این مورد با دیگران گفتگو نکنند.

کودکان به‌عنوان شاهدان خشونت خانگی
اگر بین والدین خشونت وجود داشته باشد، این مسئله به‌عنوان نوعی ویژه از خشونت روحی، کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کودکان از کمک کاری‌ها، توهین‌ها و تجاوزها رنج می‌برند، حتی اگر آنها مستقیماً هدف قرار نکرده‌اند، بلکه تنها به‌طور غیرمستقیم متوجه این موارد شده باشند.

به‌عنوان مثال وقتی در اتاق خود هستند و تنها می‌توانند اعمال خشونت، گفتگوها و صداهای مربوطه را بشنوند. یا وقتی که به دلیل جو حاکم بر خانه، احساس می‌کنند که اتفاقی میان والدین افتاده است. خشونت باعث ایجاد جوی از ترس برای کودکان می‌شود. ترس از اینکه خودشان هم قربانی خشونت شوند. ترس از اینکه والدین خود را بخاطر خشونت از دست بدهند. آنها احساس گناه یا ناتوانی می‌کنند، چرا که نمی‌توانند جلوی خشونت را بگیرند. آنها بدلیل وجود خشونت در رابطه همسری والدینشان، احیاناً دیگر نمی‌توانند از توجه، محبت و مراقبت کافی والدین خود بهره‌مند شوند.

آنها دچار هرج و مرج عاطفی می‌شوند، زیرا در یک زمان هم والدین خود را دوست دارند و هم از آنها متنفرند. آنها شرمسار یا سردرگم می‌شوند، زیرا نمی‌توانند دلیل بروز خشونت بین والدین خود را درک کنند.

برای کودکانی که خشونت در رابطه همسری والدین خود را مشاهده کرده‌اند، احتمال اینکه خود نیز در بزرگسالی قربانی یا عامل خشونت در رابطه همسری شوند، بیشتر است.

تجربه خشونت خانوادگی در دوران کودکی، بر زندگی کودکان قربانی در دوران بزرگسالی آنها تأثیر می‌گذارد. بدین شکل، ممکن است که کودک در آینده در روابط همسری و در خانواده خود به تکرار الگوهای رفتاری که آنها را آموخته پیردازد. حفاظت از کودکان و بهره‌مندی آنان از یک تربیت خوب و سالم برای جلوگیری از ادامه چرخه خشونت ضروری است!

جنگ، ترس و تروما (ضربه روحی) چه اثراتی بر تربیت می‌گذارند؟

گونه‌های مختلف خشونت که پیشتر به آنها اشاره شد، می‌توانند در خارج از خانواده، بواسطه جنگ و یا در هنگام گریز نیز رخ دهند. این خشونت‌ها هم پیامدهای مشابهی برای کودکانی که آنها را تجربه کرده‌اند به همراه دارند و بر رفتار آنها تأثیر می‌گذارند. در این موارد هم احتمال اینکه افراد زخم خورده، بعدها خود نیز مرتکب خشونت شده و یا دوباره قربانی آن بشوند، افزایش می‌یابد. از این رو، لازم است که این دسته از تجربه‌های خشونت و ضربه‌های روحی که در گذشته رخ داده‌اند، در ضمن اقدامات تربیتی-پرورشی مدنظر قرار گیرند.



3. خشونت در تربیت

اعمال خشونت به عنوان وسیله تربیتی همواره باعث عواقب و آسیب های شدیدی است و از جمله به این دلیل در آلمان منع قانونی دارد. تجربه خشونت موجب افزایش احتمال ابتلا به بیماری های جسمی و روحی، بروز مشکلات در مدرسه، خشونت طلبی شخص و یا قربانی خشونت شدن او می شود.

خشونت با وجود همه عواقب شدیدی که دارد، هنوز هم گاهی از سوی والدین و سرپرست ها به عنوان وسیله ای برای تربیت کردن بکار گرفته می شود.

آیا خشونت می تواند یک وسیله تربیتی تلقی شود؟

اینگونه نیست که کودکان با شخصیتی بد متولد شوند که بزرگترها بخواهند با متوصل شدن به خشونت به شخصیت آنها شکل دهند.

از لحاظ علمی ثابت شده است، که کودکان از افراد موجود در پیرامونشان تاثیر زیادی می پذیرند. کودکان بیش از هر چیز دیگر با زیر نظر گرفتن محیط و تقلید از دیگران می آموزند. در صورت تربیت کودکان به شکلی محترمانه و محبت آمیز، آنها نیز یاد می گیرند که نسبت به دیگران با احترام و محبت رفتار کنند. چنانچه کودکان با استفاده از زور و خشونت تربیت شوند، آنها خواهند آموخت که با خشونت و زور کنار آمده و یا خود نیز از آنها استفاده کنند. البته لازم به ذکر است که کودکانی وجود دارند که

با وجود دریافت مهر و محبت کافی، رفتارهای چالش برانگیزی از خود نشان می دهند. به عنوان مثال، نوزادانی که بسیار گریه می کنند و یا کودکانی که پرخاشگری می کنند. اینگونه رفتار معمولاً دلیلی دارد، حتی اگر این دلیل در نگاه نخست قابل شناسایی نباشد. مثلاً ممکن است که منشاء این رفتار یک معلولیت روحی باشد. بسیار مهم است که والدین در چنین مواردی از کمک ها و حمایت های موجود استفاده کنند.

حق تربیت به این معنا نیست، که کودکان باید فرمانبر و مطیع والدین بوده و به آنها خدمت کنند.

کودکان، انسان هایی مستقل و ارزشمند هستند و والدین مالک آنها نیستند. فرمانبرداری همیشه نشانه احترام نیست، بلکه می تواند نشانه ترس باشد. چنانچه اعمال زور و اقتدارگرایی در رابطه بین والدین و کودک حاکم باشد، این مطلب اغلب موجب می شود که کودک نتواند این احساس را در خود پیروارد که انسانی ارزشمند است. و البته این حس برای رشد کودک به شکلی سالم حائز اهمیت است.

یکی از نتایج تجربه خشونت در سنین کودکی هم می تواند این باشد که کودک والدین خود را نفی کرده و یا حتی رفته رفته از آنها متنفر شود. همچنین ممکن است که کودک دچار یاس و پرخاشگری شود و آنها را بر سر کسانیکه از او ضعیف ترند خالی کند. با افزایش سن و قوای جسمانی اینگونه کودکان، خطر اعمال خشونت بر ضد والدین و یا ترک ایشان نیز فزونی می یابد.

برخی از والدین، خود نیز در دوران کودکی خشونت را تجربه کرده اند و بر این باورند که «این روش برای من هم مضر نبوده». البته این مسئله نمی تواند توجیهی برای این باشد که والدین به اعمال خشونت بر علیه فرزندان خود بپردازند.

خشونت بر علیه کودکان همیشه ردی از خود برجای می گذارد و این مسئله هیچ ربطی به نوع خشونت اعمال شده و یا تعداد دفعات و شدت آن ندارد. برای حل دعوا با کودکان و یا نشان دادن حد و مرزهای شان به آنها، نیازی به خشونت نیست.

در صورتی که دعوها و مناقشات، با اعمال خشونت از سوی والدین ساماندهی شوند، معمولاً کودکان نیز از این رفتار الگو برداری می کنند. امروزه دفترچه های راهنما و کلاس های آموزشی وجود دارد که می توان با مراجعه به آنها راه های تقویت کودکان و تعیین حد و مرز برای آنان را بدون استفاده از خشونت آموخت.

در صورت وجود فشار بیش از حد و احساس درماندگی، چه کارهایی را می توانم انجام دهم؟

شرایط اضطراب آور می تواند به اعمال خشونت بر علیه کودکان و نوجوانان بیانجامد. مثلاً ممکن است که والدین بدلالی مانند: بیکاری، وضعیت نامشخص اقامت، فضای کم در محل سکونت، ضربه های روحی که در وطن یا در راه فرار به آنها تحمیل شده و هنوز به آنها رسیدگی نشده است، بیماری و یا بواسطه بحران های زناشویی تحت فشار روحی قرار گرفته و مستاصل شوند. آنها با درماندگی احساس می کنند که دارند کنترل رفتار و کردار خود را از دست می دهند. این وضعیت

خیلی وقتها بدون اینکه آنها بخواهند یا حتی دلیل آنرا بدانند اتفاق می افتد. رسیدگی به یک کودک که بواسطه معلولیت مراقبت از او دشوارتر است، می تواند والدین را تا سر حد توانایی ها و نیرویشان بیاماید، که این مسئله نیز می تواند موجب بروز احساس درماندگی و یا استیصال در آنها شود.

اساساً، اینکه پیش از بروز مجدد شرایط دعوا و اختلاف به این فکر کنیم که: چگونه می توانیم در صورت بروز چنین شرایطی بدون خشونت واکنش نشان دهیم، می تواند به ما کمک کند. به عنوان مثال ترک اتاق در صورت بوجود آمدن شرایط اضطراب آور و سپس ده یا بیست بار نفس عمیق کشیدن، یکی از راه حل هایی است که قبلاً آزمون خود را پس داده. توصیه می شود که در هنگام بروز فشارهای شدید روحی و سنگین شدن جو خانه، به یک مرکز مشاوره مراجعه یا از خدمات حمایتی-مشاوره ای قانونی استفاده کنید و یا از دوستان و آشنایان کمک بگیرید.

چگونه می توانم کودکان را ضمن تربیت تقویت کنم؟

ایجاد و حفظ روابط عاطفی محبت آمیز با کودک برای اینکه بتوانیم به عنوان والدین، او را در روند رشد سالم اش تقویت کنیم بسیار حائز اهمیت می باشد. از جمله اقداماتی که می توان از آنها برای این کار بهره گرفت، مواردی چون تعریف و تمجید و حمایت از کودک، گوش فرا دادن به او با تمرکز، دلداری دادن به او، در آغوش گرفتن او و پایین نیابردن شان و شخصیت او در هنگام بحث و دعوا می باشند.

چه چیزهایی را باید در مورد اصول تربیتی پس از پناه جویی یا مهاجرت بدانم؟

مهاجرت به یک کشور دیگر می‌تواند یک خانواده را با چالش‌هایی روبرو کند که بر تربیت کودکان تأثیر می‌گذارد. در بیشتر موارد، بین اعضای خانواده از نظر مکانی جدایی می‌افتد، زیرا بعضی از آنها در وطن خود می‌مانند یا در راه گریز از دیگر اعضای خانواده جدا می‌شوند. دوباره به هم پیوستن اعضای خانواده پس از یک دوره جدایی می‌تواند مناقشات و اختلافاتی را به همراه داشته باشد. اغلب لازم است که وظایف تربیتی و نقش اعضای خانواده از نو تعیین شوند. از جمله این موارد می‌توان به نظارت بر کودکان به شکلی متناسب با سن آنها اشاره نمود.

دیدگاه‌ها و تصورات یک فرد در مورد خانواده، کودکان و تربیت، متأثر از ارزشهای جامعه و دیدگاه‌های دینی و فرهنگی و نیز تجربیات شخص در کودکی می‌باشند. در هنگام مهاجرت به یک کشور جدید، فرد این تصورات را با خود حمل می‌کند، و البته این تصورات همیشه با دیدگاه‌ها، قوانین و مقررات جامعه جدید همخوانی ندارند. به این ترتیب، تضادی میان ارزش‌ها و مقرراتی که فرد با خود به همراه آورده و اغلب در خانواده بر اساس همین مقررات و ارزش‌ها رفتار می‌شود، و ارزش‌های جاری در خارج از محیط خانواده بوجود می‌آید. به عنوان مثال کودکان باید خود را با تصورات و مطالبات موجود در مهدکودک، مدرسه و یا محیط کارآموزی تطبیق دهند. البته تطبیق دادن خود با محیط جدید برای آنها آسانتر است. آنها در بیشتر مواقع زبان و نیز ارزش‌ها و مقررات جامعه جدید را خیلی سریعتر از والدین خود فرا می‌گیرند.

در چنین شرایطی، پافشاری والدین بر ارزش‌ها و مقرراتی که با خود به همراه آورده‌اند، بدون اینکه حتی نگاهی به مطالبات کشور جدید انداخته باشند، می‌تواند به ایجاد فشار مداوم بر خانواده و بروز مشکلات و اختلافات بیانجامد. این فشار بویژه کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، که باید بین مطالبات خانواده و محیط خارج که بعضاً در تضاد با یکدیگر هستند، انتخاب کنند. از همین رو کودکان و نوجوانانی که همزمان در فرهنگ‌های مختلف زندگی می‌کنند، معمولاً بدنال راه‌هایی برای مصالحه هستند که بتوانند بوسیله آنها هم با خانواده و هم با محیط خارج کنار آیند.

لازم است والدین تا جایی که می‌توانند در مورد دنیای خارج از خانواده فرزندانشان بدانند و آنها را در یافتن راه‌های مصالحه یاری کنند. معمولاً اینگونه نیست که هر چیز که ما آنرا از وطنمان با خود آورده ایم حتماً خوب باشد یا حتماً بد باشد. این موضوع در مورد کشور جدید هم صدق می‌کند. برای یافتن راه‌های مصالحه مناسب می‌توان از نظرات مربیان تربیتی، معلم‌ها و افراد مسئول در مهدکودک‌ها، مدرسه‌ها و محل کارآموزی بهره گرفت.

چنین گفتگویی باعث ارزش نهادن بر پرسنل آموزشی در مدارس، مهدکودک‌ها و محل کارآموزی نیز می‌شود و این انگیزه را در آنها ایجاد می‌کند که در امور تربیتی کودکان و نوجوانان به خوبی همکاری کنند. در جایی که گفتگو و چانه زدن بر سر اهداف مشترک انجام می‌گیرد، پرخاشگری، بی‌احترامی و عدم موفقیت جایی برای رشد پیدا نمی‌کنند: در این مکانها کودکان و نوجوانان تندرست، شاد، قوی و موفق رشد می‌کنند که باعث خوشبختی و افتخار والدین خود می‌شوند. اینگونه، والدین تقویت می‌شوند زیرا آنها فرزندان خود را می‌فهمند و همچنین کودکان، زیرا احساس می‌کنند که درک و حمایت می‌شوند.

4. حفاظت از کودکان در آلمان

زندگی جمعی روزمره در خانواده همیشه بدون مشکل سپری نمی‌شود. در مواقعی که بحث و جدل و خشونت، مکرراً رخ می‌دهد و یا خانواده بدلیل شرایط زندگی تحت فشار زیادی قرار می‌گیرد، دریافت کمک و حمایت می‌تواند حائز اهمیت باشد. در آلمان برای این‌گونه مواقع، خدمات حمایتی گوناگونی وجود دارد. استفاده از چنین خدمات حمایتی هیچ تأثیری بر روند پناهندگی یا اجازه اقامت ندارد.

از کجا می‌توانم کمک بگیرم؟

خدمات مشاوره‌ای

مشاوره، یعنی با یک کارشناس در مورد وضعیت شخصی و یا وضعیت موجود در خانواده گفتگو شود و همراه با او به جستجوی راه‌هایی برای بهبود دادن شرایط پرداخته شود. مشاوره می‌تواند طی یک گفتگوی شخصی، از طریق تلفن، ایمیل و یا چت صورت گیرد.

در آلمان بیش از ۱۰۰۰ مرکز مشاوره ویژه مسائل خانوادگی و تربیتی وجود دارد. برخی از این مراکز به ارائه مشاوره به خانواده‌هایی که زمینه پناه جویی یا مهاجرت دارند، اختصاص یافته‌اند. این مشاوره‌ها رایگان هستند. در زمینه مشکلات و اختلافات زناشویی و یا فشارهای دیگر نیز خدمات مشاوره‌ای تخصصی وجود دارد.

مشاوران خانم و آقا ملزم به حفظ اسرار یا رازداری هستند. این یعنی، آنان اجازه ندارند مواردی را که در طول مشاوره گفته شده یا در ایمیل و یا چت نوشته شده است را به شخص دیگری منتقل کنند. تنها موردی که مشمول الزام به رازداری نمی‌شود زمانی است که مشاور به این نتیجه برسد که خطر جانی حاد (در شرف اتفاق) فردی را که برای دریافت کمک مراجعه کرده است و یا فرد دیگری را تهدید می‌کند. در صورت وجود هرگونه شک و شبهه، در آغاز جلسه مشاوره در این مورد که در چه مواردی باید اطلاعات بازگو شده، به دیگران گزارش داده شوند، بپرسید. البته امکان مشاوره بصورت ناشناس هم وجود دارد، که در آن نیازی به بازگو کردن نام نیست.

پزشک متخصص کودکان

در صورت بروز هرگونه شواهد از مشکلاتی در روند رشد کودک و یا رفتار او می‌توان به پزشک مراجعه کرد و نظر وی را پرسید.

به عنوان مثال: وقتی نوزادان مدام گریه می‌کنند، وقتی کودکان سخن نمی‌گویند، وقتی کودکان بسیار پرخاشگر و عصبانی هستند، وقتی کودکان معلولیت دارند.

کلاس‌های آموزش تربیت بدون خشونت

در بسیاری از مناطق، کلاس‌های آموزشی ارائه می‌شوند که در آنها والدین نحوه تربیت کردن کودکان بدون استفاده از خشونت را می‌آموزند. در این کلاس‌ها اطلاعاتی در مورد رشد و نیازهای

کودکان آموزش داده می‌شود. نحوه واکنش مناسب در شرایط سخت و نیز راه‌های موجود برای برخورد بدون خشونت با اختلافات و مشکلات به شرکت کنندگان نشان داده می‌شود. همزمان امکان مبادله اطلاعات با دیگر والدین نیز وجود دارد. برخی از این کلاس‌ها به والدینی که زمینه مهاجرت یا پناه جویی دارند اختصاص یافته‌اند.

روان درمانی (روانکاو)

روان درمانی، می‌تواند برای والدینی که متحمل فشارهای شدید روانی هستند، امری ضروری باشد. از جمله دلایلی که موجب ضرورت روانکاو می‌شوند می‌توان به: تجربه‌های نامطلوب شخصی در دوران کودکی، تجربه خشونت و جنگ، غم و اندوه بسیار و یاس و یا استفاده بی‌رویه از الکل، داروها یا مواد مخدر اشاره نمود. دستور معالجه با استفاده از روانکاو توسط پزشک صادر و هزینه‌های آن توسط صندوق بیمه درمانی مربوطه پرداخت می‌شوند. در طی این معالجه، مراجعه‌کننده خانم یا آقا یاد می‌گیرد، با تجربه‌ها، احساس و افکار تلخ و آزاردهنده بگونه‌ای برخورد کند، که امکان از سر گرفتن زندگی روزمره مطلوب و همچنین تربیت کردن فرزندان دوباره میسر شود.

کمک در شرایط اضطراری

در شرایط خشونت بار اضطراری می‌توان با استفاده از شماره تلفن ۱۱۰ به صورت رایگان با پلیس تماس گرفت. این کار را کودکان نیز می‌توانند انجام دهند. پلیس موظف است که برای حفاظت از فرد قربانی، به سرعت خود را به محل برساند.

در صورت وقوع خشونت در خانواده، پلیس می‌تواند فرد عامل خشونت را تا ۱۴ روز از نزدیک شدن به محل سکونت مشترک منع کند (منع از اقامت در محل). همچنین پلیس می‌تواند عامل خشونت را بازداشت کند تا بدین شکل دور ماندن او از محل سکونت خانواده را تضمین کند.

در صورت وقوع هرگونه عمل قابل مجازات بر اساس کتاب قانون کیفری (StGB)، پلیس موظف به تنظیم شکایت‌نامه (شکوایه) بر ضد عامل خشونت می‌باشد.

خدمات کمک به کودکان و نوجوانان چه حمایت‌هایی را عرضه می‌کند؟

در قانون نیز خدمات حمایتی، تعریف شده‌اند که در زمینه تربیت و مراقبت از فرزندان از خانواده‌هایی که در شرایط سخت و دشوار قرار دارند حمایت می‌کنند، تا بدین نحو رشد سالم کودکان تضمین گردد. این «کمک‌های تربیتی» در فصل هشتم کتاب قانون اجتماعی (SGB VIII) – خدمات کمک به کودکان و نوجوانان، توضیح داده شده‌اند. در صورتی که والدین احساس کنند که برای ساماندهی رابطه با فرزندشان به پشتیبانی نیاز دارند، می‌توانند تقاضای «کمک تربیتی» کنند.

دامنه و شکل این خدمات کمکی بسیار گوناگون است و باید مطابق نیازهای خانواده و کودک مورد نظر ارائه گردند. به عنوان مثال، بازدید والدین از یک مرکز مشاوره تربیتی، شرکت کودکان در یک فعالیت گروهی در زمینه تربیت اجتماعی یا ارائه پشتیبانی به همه خانواده توسط

یک متخصص تربیت اجتماعی (مربی تربیتی) که چند بار در هفته به دیدار خانواده می‌رود، می‌توانند از جمله این نوع خدمات باشند. این متخصص می‌تواند در مورد موضوعات تربیتی، در حل مسائل روزمره زندگی، در حل اختلافات و یا در تماس با ادارات و موسسات مختلف به خانواده کمک کند.

برای تشخیص اینکه آیا اصلاً خدمات کمکی لازم‌اند و یا اینکه چه نوع خدماتی مناسب خانواده هستند، به یک جلسه مشاوره نیاز است، که در طول آن وضعیت خانواده و کودک، راه‌حل‌های موجود و خدمات کمکی مختلف به صورت مفصل مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرند. این مشاوره در اداره نوجوانان مربوطه برگزار می‌شود و برای دریافت نوبت مشاوره می‌توانید به همین اداره مراجعه فرمایید. معمولاً نام بخش‌هایی که مسئول این کار هستند «خدمات اجتماعی عمومی» (Allgemeiner Sozialer Dienst) و یا «خدمات اجتماعی محلی» (Kommunaler Sozialer Dienst) می‌باشد. کارکنان اداره نوجوانان مجاز نیستند که بدون وجود شواهدی مبنی بر به خطر افتادن سلامت کودک و تنها بدلیل برگزاری این جلسه مشاوره اقدام به گرفتن کودک از خانواده بنمایند.

در چه مواقعی اداره نوجوانان مجاز به دخالت در امور تربیتی می‌باشد؟

بر اساس قانون اساسی (ماده ۶، بند ۲، جمله ۱) و کتاب قانون شهروندی (ماده ۱۶۶۶)، دولت تنها در صورتی مجاز است با استفاده از مأمورین اداره نوجوانان و یا دادگاه خانواده مقررات لازم‌الاجرا

برای والدین وضع کند، که سلامت کودک در خطر باشد و والدین به تنهایی قادر به دورکردن خطر نبوده و یا مایل به این کار نباشند.

چند نمونه از مقرراتی که می‌توانند با استناد به کتاب قانون شهروندی (بند ۱۶۶۶) وضع گردند، به شرح زیر می‌باشد:

- الزام به پذیرش و دریافت حمایت‌ها و کمک‌های همگانی-دولتی مانند خدمات حمایتی کودکان و نوجوانان و یا خدمات مربوط به مراقبت‌های پزشکی (مثلاً انجام معاینات پیشگیرانه).
- والدین باید مدرسه رفتن کودک را در همه روزهای هفته (به جز در موارد بیماری) تضمین کنند (رعایت آموزش اجباری).
- «تحت نظارت گرفتن»، به معنی خارج کردن کودک از محیط خانواده، تنها در موارد بسیار نادر رخ می‌دهد. ارتباط با والدین برای رشد کودک بسیار مهم است و به همین دلیل هم هدف کارشناسان اداره نوجوانان این است که بوسیله راه‌های کمکی دیگر و با ارائه خدمات حمایتی به والدین، از وقوع تحت نظارت گرفتن کودک جلوگیری کنند.

کتاب قانون شهروندی (BGB)

دربگیرنده قوانین مربوط به حقوق عمومی اشخاص حقیقی، یعنی به عبارتی روابط و ضوابط حقوقی در روابط اشخاص حقیقی در آلمان است. این کتاب قانون، از جمله دربگیرنده مواردی چون حقوق خانواده همراه با ضوابط حقوقی در مورد ازدواج و طلاق و نیز وظیفه سرپرستی والدین می باشد. نسخه کامل کتاب قانون شهروندی را می توان از وبلاگ های زیر تهیه کرد:

به آلمانی: www.gesetze-im-internet.de/bgb/

به انگلیسی:

www.gesetze-im-internet.de/englisch_bgb/index.html

قانون اساسی (GG)

قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان، که دربگیرنده کلیات تصمیمات ارزشی و سیستمی نظام حاکم بر کشور می باشد و در جایگاه بالاتری نسبت به دیگر ضوابط حقوقی در آلمان قرار دارد. نسخه کامل این قانون در اینترنت در دسترس عموم قرار داده شده است (به آلمانی در

www.bundestag.de/grundgesetz). برای تهیه نسخه ترجمه شده به زبان های

اسپانیایی، انگلیسی، ایتالیایی، ترکی، چینی، صربستانی، فارسی، فرانسوی، روسی،

عربی و لهستانی لطفاً به وبلاگ زیر مراجعه کنید: www.spd.de/standpunkte/

alte-unterseiten/fuer-unser-land-menschlich-und-weltoffen/grundgesetz-in-elf-sprachen

کتاب قانون اجتماعی (SGB)

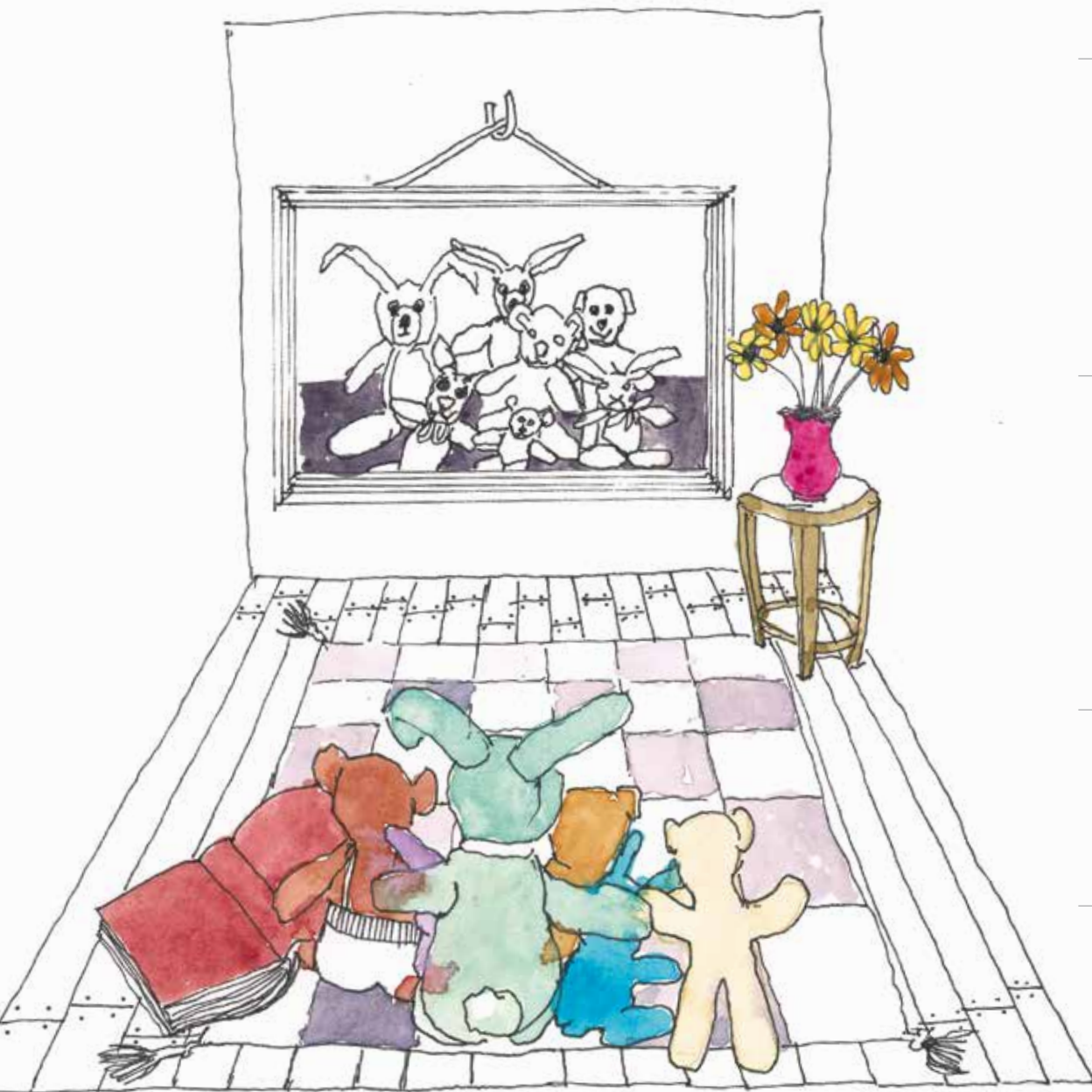
دربگیرنده حقوق اجتماعی معتبر در آلمان و نیز خدمات کمکی و حمایت های مالی دولتی است، که هدف آن میسر کردن زندگی به شکلی است که در شان انسان باشد، البته در صورتی که خود افراد قادر به ایجاد این نوع زندگی برای خود نباشند. به عنوان مثال در بخش های خدمات کمکی کودکان و نوجوانان، تشویق به اشتغال و یا کمک های (مالی) اجتماعی.

کتاب قانون کیفری (StGB)

دربگیرنده لیستی از کارهایی که در آلمان جرم شناخته می شوند و پیامدهای حقوقی این جرم ها. نسخه کاملی از این کتاب قانون در وبگاه های زیر قابل دسترسی است:

به آلمانی: www.gesetze-im-internet.de/stgb/index.html

به انگلیسی: www.gesetze-im-internet.de/englisch_stgb/index.html



مراکز مشاوره

کنفرانس فدرال مشاوره تربیتی (بنیاد ثبت شده)
<https://www.bke.de>

با مراجعه به این وبگاه می‌توان به جستجوی مراکز مشاوره در زمینه موضوعات تربیتی و خانوادگی در محل سکونت پرداخت. خانواده‌های مهاجر می‌توانند خدمات مشاوره ای که به زبان مادری آنان ارائه می‌گردد را جستجو کنند.

کارگروه ویژه مشاوره نوجوانان و زندگی زناشویی
 (بنیاد ثبت شده)

<https://www.dajeb.de/beratungsfuehrer-online/beratung-in-ihrer-naehe/>

با مراجعه به این وبگاه می‌توان به جستجوی مراکز مشاوره در محل سکونت و نیز خدمات مشاوره تلفنی و اینترنتی پرداخت. به عنوان مثال برای مشاوره در زمینه جدایی و طلاق و یا مشاوره ویژه قربانیان انواع خشونت.

تلفن والدین

<https://www.nummergegenkummer.de/elterntelefon.html>

شماره تلفن: ۰۵۰۱۱۱۰۰۸۰
 دوشنبه تا جمعه از ساعت ۹:۰۰ تا ۱۷:۰۰
 سه شنبه ها و پنج شنبه ها تا ساعت ۱۹:۰۰
 مشاوره تلفنی ناشناس ویژه والدین به زبان آلمانی، برای رسیدگی به همه پرسش‌های تربیتی و خانوادگی. امکان ارجاع به مراکز مشاوره ای دیگر نیز مهیا است.

تلفن کودکان و نوجوانان

<https://www.nummergegenkummer.de/kinder-und-jugendtelefon.html>

شماره تلفن: ۱۱۶۱۱
 از دوشنبه تا شنبه از ساعت ۱۴:۰۰ تا ۲۰:۰۰
 مشاوره تلفنی ناشناس به زبان آلمانی برای کودکان و نوجوانان، در مورد همه پرسش‌ها و نگرانی‌های شخصی. امکان ارجاع به مراکز مشاوره ای دیگر نیز مهیا است.

آگاهی‌های والدین بودن

<https://www.elternein.info>

کمک و مشاوره ویژه زنان باردار و والدین کودکان حداکثر ۳ ساله

مشاوره اینترنتی ویژه والدین توسط کنفرانس فدرال مشاوره تربیتی

<https://eltern.bke-beratung.de/views/home/index.html>

مشاوره اینترنتی ناشناس به زبان آلمانی در مورد موضوعات تربیتی، زندگی خانوادگی، مهدکودک، مدرسه و نوجوانان در سن بلوغ.

مشاوره اینترنتی کاریتاس ویژه والدین و خانواده‌ها

<https://www.caritas.de/hilfeundberatung/onlineberatung/eltern-familie/start>

مشاوره اینترنتی رایگان و ناشناس به زبان آلمانی در مورد موضوعات تربیتی، زندگی خانوادگی، مهدکودک، مدرسه و نوجوانان در سن بلوغ.

نامه‌های اطلاع‌رسانی در مورد موضوعات مختلف تربیتی

<https://www.ane.de/download>

نامه‌های اطلاع‌رسانی انجمن «دایره کاری تربیت نوین» راهکارهایی را در مورد موضوعات تربیتی برحسب سن کودک عرضه می‌کنند. سفارش رایگان و دانلود به زبان ترکی و دیگر زبانها امکان پذیر است.

فیلم‌های ویژه والدین در مورد سیستم آموزشی آلمان

<https://www.ane.de/elternfilme>

فیلم‌های کوتاه انجمن «دایره کاری تربیت نوین» به آگاه سازی والدین کودکان حداکثر ۱۰-ساله در مورد سیستم آموزشی آلمان می‌پردازند. به زبان‌های آلمانی، اسپانیایی، انگلیسی، ترکی، فرانسوی و عربی.

فیلم‌های آگاه‌سازی والدین در زمینه وضعیت‌های تربیتی گوناگون

vimeo.com/channels/fmdvids/222248624

این فیلم‌های کوتاه از «سازمان بین‌المللی نجات (International Rescue Committee)» به آگاه‌سازی در مورد وضعیت‌های دشوار تربیتی معمول پرداخته و راهکارهای رفتاری ارائه می‌کنند. زبان: انگلیسی

دوره‌های آموزشی والدین

دسترسی به فیلم‌های ویدیویی و اطلاعات در مورد کلاس‌های آموزشی والدین در آلمان از طریق:

<https://elternkurse.com/>

دوره آموزشی «والدین نیرومند – فرزندان نیرومند»

سازمان یافته توسط اتحادیه حفاظت از کودکان آلمان، قابل دسترسی در:

<http://www.sesk.de/CONTENT/vorort.aspx>

کلاس «تربیت کردن با Kess» برای والدین مهاجر خدمات عرضه شده توسط انستیتو-تربیتی-Kess ویژه متخصصین تربیتی-پرورشی (AKF)، قابل دسترسی در وبگاه: <https://www.kess-erziehen.de/eltern/kurse-kess/migration/>

کمک‌های ویژه والدین کودکان دارای معلولیت

بروشور «فرزند من معلول است –

این کمک‌ها وجود دارند»

تهیه شده توسط اتحادیه فدرال افراد دارای

معلولیت‌های جسمی و چندگانه (بنیاد ثبت شده)، ارائه کننده آگاهی‌هایی در مورد خدماتی است که در آلمان به افراد دارای معلولیت تعلق می‌گیرند. این بروشور به زبان‌های آلمانی، ترکی، روسی، عربی و ویتنامی در دسترس است.

<https://bvk.m.de/ratgeber/mein-kind-ist-behindert-diese-hilfen-gibt-es-in-mehreren-sprachen/>

بروشور «حقوق سرپرستی آلمان»

موسسه سرپرستی فرافرنگی (بنیاد ثبت شده)، این متن بسیار مفصل را جهت آگاه‌سازی به زبان‌های اسپانیایی، انگلیسی، ایتالیایی، ترکی، صربستانی - کروات-بوسنیایی، فرانسوی، روسی، عربی، لهستانی و یونانی عرضه می‌کند. سفارش و دانلود از طریق: <https://itb-ev.de/broschueren>

تربیت کردن بدون خشونت و حقوق کودکان در آلمان. یک راهنما برای سرپرستانی که تجربه پناه جویی دارند

این راهنما حاوی اطلاعاتی در زمینه روش‌های تربیتی بدون خشونت و حقوق کودکان در آلمان است. خواسته ما این است که بتوانیم با این بروشور به سرپرستان پناه‌جو و مهاجران تازه‌وارد که مسئولیت‌های تربیتی بر عهده دارند دسترسی پیدا کنیم.

در این راستا آگاهی‌های زیر را به شما عرضه می‌داریم:

- انواع خشونت بر علیه کودکان و پیامدهای آنها
- مراحل رشد و تکامل کودکان تا سن نوجوانی
- شیوه‌های تربیتی حمایت‌کننده رشد و تکامل کودکان
- نشانی‌ها و خدمات کمکی برای والدین و سرپرستان

این راهنما در چهارچوب پروژه سراسری «می می – پیشگیری از خشونت با مهاجران برای مهاجران» توسعه یافته است. این راهنما به زبان‌های اسپانیولی، انگلیسی، آلمانی، بلغاری، پشتو، ترکی، دری، روسی، صربستانی/بوسنیایی/کروات، عربی، فارسی، فرانسوی، کردی و لهستانی قابل دسترسی است. سفارش از طریق وبگاه‌های زیر امکان‌پذیر است:

www.mimi-gegen-gewalt.de | www.mimi-bestellportal.de

ترویج توسط:



**Ethno-
Medizinisches
Zentrum e.V.**



Die Beauftragte der Bundesregierung
für Migration, Flüchtlinge und
Integration

STÜTTGART



bipoli
Bildungsstelle
Initiative e.V.

LANDKREIS



Sächsische
Landesvereinigung für
Gesundheitsförderung



Verband Eltern- und Jugendhilfe Rostock e.V.
Fachverband für die offene Arbeit mit Eltern und Jugendlichen



AJC
Berlin
Romer Institute



این راهنما اعطا شده از جانب: